

نویسنده: عباس آل زاین «A bbas al-Zein».
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2026-01-22».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

ایران: قفل اوراسیا

Iran: The Eurasian Lock

جغرافیای ایران، آن را به یک محور استراتژیک تبدیل کرده است - محوری که عمق جنوبی روسیه را محکم می‌کند و به چین امکان فرار از مهار دریایی ایالات متحده را می‌دهد.

Iran's geography has turned it into a strategic hinge – one that anchors Russia's southern depth and gives China an escape from US maritime containment.

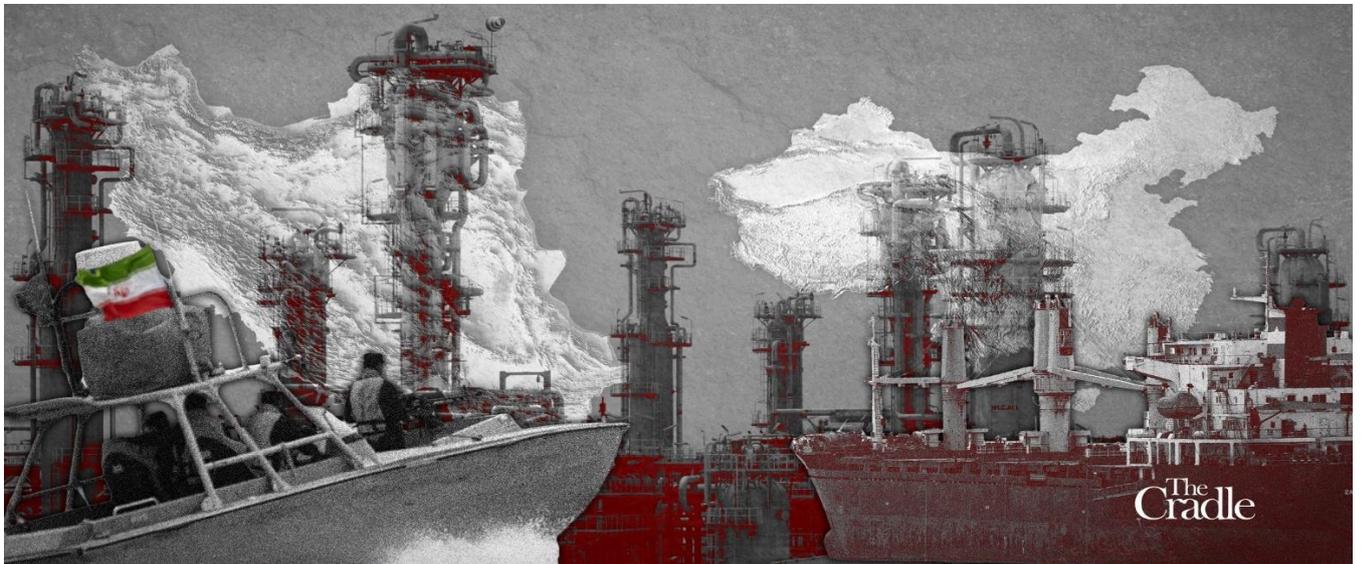


Photo Credit: The Cradle

در راهروهای تصمیم‌گیری استراتژیک ایالات متحده، ایران دیگر به عنوان یک پرونده منطقه‌ای مجزا تلقی نمی‌شود. تعامل با تهران از رقابت قدرت‌های بزرگ جدایی‌ناپذیر شده است. هماهنگی بین ایران، روسیه و چین فراتر از همسویی موقعیتی رفته و به چیزی تبدیل شده است که تحلیلگران غربی به طور فزاینده‌ای آن را نوعی «هم‌افزایی ساختاری» توصیف می‌کنند که توانایی واشنگتن برای منزوی کردن رقبايش را تضعیف می‌کند.

این ارزیابی با نتیجه‌گیری‌های بنیاد کارنگی در گزارش خود در مورد تهدیدات آینده آمریکا همپوشانی دارد، که ایران را به عنوان «گره مرکزی» در سرزمین اوراسیا معرفی می‌کند - گره‌ای که از انزوای جغرافیایی روسیه جلوگیری می‌کند و در عین حال نیازهای انرژی چین را فراتر از کنترل نیروی دریایی ایالات متحده تأمین می‌کند. هرگونه بی‌ثبات‌سازی جدی جمهوری اسلامی به مرزهای آن محدود نخواهد ماند. این به یک محاصره استراتژیک دوگانه تبدیل می‌شود که هم چین و هم روسیه را هدف قرار می‌دهد: احیای هرج و مرج امنیتی در سراسر اوراسیا و در عین حال حمله به سکوه‌های مالی و انرژی که قدرت‌های نوظهور به طور فزاینده‌ای برای تضعیف سلطه تک قطبی به آن متکی هستند.

جغرافیا به عنوان عمق استراتژیک

برای مسکو، اهمیت ایران با جغرافیا آغاز می‌شود. این امر به روسیه یک گشایش ژئوپلیتیک حیاتی فراتر از مرزهای نزدیکش ارائه می‌دهد. طبق مطالعات باشگاه والدای، اهمیت ایران نه در سیاست‌های اتحاد رسمی، بلکه در عملکرد آن به عنوان تنها پل زمینی است که قلب اوراسیا را از طریق کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) به اقیانوس هند متصل می‌کند.

این مسیر، روسیه را از فشار دریایی ناتو در بالتیک و مدیترانه مصون می‌دارد و عملاً قلمرو ایران را به عمق استراتژیکی تبدیل می‌کند که از جناح جنوبی روسیه محافظت می‌کند.

این وابستگی متقابل جغرافیایی، منافع سیاسی مشترکی را ایجاد کرده است که فراتر از هماهنگی تاکتیکی است. ثبات دولت ایران به عنوان حفاظی در برابر حرکت قفقاز و آسیای مرکزی به سمت نوعی از تجزیه که پیش از جنگ اوکراین رخ داد، عمل می‌کند. تحقیقات شورای امور بین‌الملل روسیه (RIAC) جغرافیای ایران را به عنوان سنگ بنای مفهوم «اوراسیای بزرگ» قرار می‌دهد که در تلاش مسکو برای تضعیف هژمونی غرب در سراسر قاره، نقش محوری دارد.

برای پکن، ایران نقش مشابهی را در یک معادله استراتژیک متفاوت ایفا می‌کند. با تشدید فشار دریایی ایالات متحده در سراسر اقیانوس آرام، جایگزینی گسترش غرب چین از طریق ایران به طور فزاینده‌ای دشوار شده است. تحقیقات شورای روابط خارجی

(CFR) ایران را به عنوان یکی از مهمترین گره‌های جغرافیایی در طرح کمربند و جاده (BRI) شناسایی می‌کند و برای پکن یک کریدور زمینی به غرب آسیا فراهم می‌کند که از نقاط حساس دریایی تحت کنترل ایالات متحده - از تنگه تایوان تا مدیترانه - عبور می‌کند.

بنابراین، موقعیت میانی ایران بین آب‌های داخلی اوراسیا و دریاهای آزاد، یک درگیری پایدار بین تهران، مسکو و پکن ایجاد کرده است. در این پیکربندی، اتحاد سیاسی کمتر ناشی از ایدئولوژی و بیشتر ناشی از ضرورت جغرافیایی-فیزیکی است. هرگونه تلاشی برای بی‌ثبات کردن فلات ایران احتمالاً باعث ایجاد شوکی آبشاری در سراسر اوراسیا می‌شود و یک رویارویی منطقه‌ای را به یک محاصره سیستماتیک با هدف جلوگیری از ظهور مراکز قدرت رقیب تبدیل می‌کند.

دولت حائل و دیوار آتش امنیتی

فراتر از لجستیک، ایران به عنوان یک حائل تثبیت‌کننده در معماری امنیتی اوراسیای شرقی عمل می‌کند. یک گزارش تحقیقاتی توسط RAND در مورد "گسترش روسیه" از استراتژی‌های خستگی دشمن صحبت می‌کند که بر استفاده از بی‌ثباتی پیرامونی برای تخلیه قدرت‌های رقیب تأکید دارد. از این منظر، ایران یک دیوار آتش حیاتی را نشان می‌دهد. بی‌ثباتی در داخل ایران، هماهنگی امنیتی در سراسر حاشیه جنوبی روسیه، به ویژه در قفقاز و آسیای مرکزی را به طور مکانیکی تضعیف می‌کند. ارزیابی‌های RIAC هشدار می‌دهد که چنین اختلالی، مسیرهایی را برای شبکه‌های افراطی، قاچاق فرآقاره‌ای و سرریز شبه‌نظامیان باز می‌کند - تهدیداتی که مسکو بارها به عنوان تهدید وجودی طبقه‌بندی کرده است.

برای چین، نگرانی در سرایت [ناآرامی] نهفته است. ثبات ایران، انتقال ناآرامی‌ها را از طریق کریدورهای کوهستانی آسیای مرکزی، جایی که تهران به عنوان یک شریک امنیتی جدایی‌ناپذیر در سازمان همکاری شانگهای (SCO) عمل می‌کند، محدود می‌کند. این نقش، پکن را تا حدی از عایق امنیتی برخوردار می‌کند و به آن اجازه می‌دهد تا بدون درگیر شدن در درگیری‌های مرزی فرسایشی، جاه‌طلبی‌های جهانی را دنبال کند.

حاکمیت انرژی و مالی

از نظر اقتصادی، نقش ایران فراتر از منطق تجارت متعارف است. مشارکت‌های آن با روسیه و چین به طور فزاینده‌ای بخشی از یک معماری مالی و انرژی جایگزین است که برای کاهش نفوذ غرب طراحی شده است.

از دیدگاه پکن، نفت ایران به نوعی عایق استراتژیک تبدیل شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که چین تقریباً ۱/۳ میلیون بشکه در روز (bpd) نفت خام ایران را خریداری می‌کند - حدود ۱۳/۴ درصد از واردات نفت دریایی آن - و نزدیک به ۸۰ درصد از صادرات ایران به سمت شرق جریان دارد. افزایش تسویه حساب از طریق مکانیسم‌های

غیر دلاری، از جمله یوان دیجیتال، آسیب‌پذیری در برابر فشار ایالات متحده، به ویژه در نقاط حساسی مانند تنگه مالاکا را بیشتر کاهش داده است. گزارش‌های مرکز برق تأیید می‌کند که چین در سال ۲۰۲۵ بیش از ۵۷ میلیون تن نفت ایران - یا مشکوک به ایران - وارد کرده است که اغلب از طریق واسطه‌هایی مانند مالزی انجام شده است. این ارقام بر کاهش اثربخشی تحریم‌ها در مواجهه با ضرورت ژئواکونومیک تأکید می‌کنند.

محاسبات روسیه مسیر متفاوتی را برای رسیدن به همان نتیجه دنبال می‌کند. همکاری با ایران به عنوان یکی از مهمترین مسیرهای مسکو برای دور زدن انزوای مبتنی بر سوئیفت ظهور کرده است. داده‌های دولت فدراسیون روسیه نشان می‌دهد که تجارت دوجانبه پس از توافق‌نامه تجارت آزاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در ماه مه ۲۰۲۵ اجرا شد، ۳۵ درصد افزایش یافته است.

یک تغییر اساسی در حوزه پولی بوده است. در ژانویه ۲۰۲۵، بانک مرکزی ایران از اتصال کامل بین سیستم‌های پرداخت MIR روسیه و شتاب ایران خبر داد و یک کریدور مالی محافظت‌شده ایجاد کرد. به گفته مقامات ایرانی، ایران و روسیه قصد دارند تجارت دوجانبه را در دهه آینده به ۱۰ میلیارد دلار افزایش دهند، در حالی که انتظار می‌رود صادرات ایران به روسیه تا پایان سال تقویمی جاری ایران (۲۰ مارس ۲۰۲۶) به حدود ۱/۴ میلیارد دلار افزایش یابد.

تهران به طور فزاینده‌ای به عنوان یک مرکز صادرات مجدد برای فناوری‌ها و کالاهای روسی عمل کرده و تلاش‌ها برای انزوای اقتصادی مسکو را خنثی کرده است.

نظر سنجی

نقش ایران را در نظم نوظهور اوراسیا چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ایران یک لنگرگاه استراتژیک مرکزی برای روسیه و چین است؛ ایران مهم است.

اما در نهایت قابل جایگزینی است

نقش ایران بیش از حد مورد توجه قرار گرفته است

ایران به جای یک دارایی، به یک مسئولیت تبدیل می‌شود

{ ۵۲ رأی، ۵ روز و ۱۳ ساعت } باقی مانده است

استراتژی جدایی واشنگتن

در این زمینه، استراتژی ایالات متحده تکامل یافته است. واشنگتن به جای تکیه صرف بر فشار یا رویارویی آشکار، به سمت چیزی که محافل سیاسی غربی آن را "استراتژی جدایی" توصیف می‌کنند، متمایل شده است. این تلاشی برای کاهش وابستگی متقابل تهران، مسکو و پکن با ارائه مسیرهای جایگزین به جای رویارویی مستقیم با این بلوک است.

در جبهه چین، انرژی به عنوان نقطه اصلی اهرم فشار ظهور کرده است. پکن به عنوان بزرگترین واردکننده نفت جهان، همچنان نسبت به ثبات عرضه و قیمت‌گذاری حساس است. اقدامات ایالات متحده در آمریکای لاتین - به ویژه در مورد ونزوئلا - به طور گسترده به عنوان تلاش برای ادغام مجدد ذخایر بزرگ نفت در بازارهای جهانی تحت چارچوب‌های نظارتی غرب تفسیر می‌شود که به طور بالقوه نقش ایران را در محاسبات امنیت انرژی چین تضعیف می‌کند. به موازات آن، واشنگتن حضور دریایی و ائتلافی خود را در سراسر کریدورهای تجاری کلیدی که از اقیانوس هند تا غرب اقیانوس آرام امتداد دارند، گسترش داده است. این موضع نه تنها به عنوان بازدارندگی، بلکه به عنوان یادآوری مداوم این نکته است که امنیت تأمین دریایی همچنان به توازن قدرت به رهبری ایالات متحده وابسته است. در جبهه روسیه، اوکراین نقش محوری دارد. در حالی که فشارهای نظامی و اقتصادی مداوم با هدف تخلیه ظرفیت مسکو صورت می‌گیرد، سیگنال‌های دیپلماتیک متناوب نشان دهنده علاقه به تفاهات بخش‌بندی شده در مورد امنیت اروپا است. شرط اساسی این است که منافع اصلی روسیه ممکن است تا حدی در اروپا لحاظ شود و ارزش بلندمدت همکاری آن با ایران را کاهش دهد.

تعامل ایالات متحده همچنین در سراسر آسیای مرکزی و قفقاز - مناطقی که عمق استراتژیک روسیه و کریدورهای حیاتی برای طرح یک کمربند، یک جاده چین را تشکیل می‌دهند - تشدید شده است. از دیدگاه مسکو و پکن، گسترش روابط امنیتی و سرمایه‌گذاری در این مناطق نشان دهنده تلاشی برای محاصره جغرافیایی ایران و تضعیف نقش آن به عنوان گره ارتباطی اوراسیا است.

چرا شرط‌بندی شکست می‌خورد

علیرغم وسعت این تلاش‌ها، استراتژی جدایی با بی‌اعتمادی ریشه‌دار در مسکو و پکن مواجه می‌شود. برای این دو قدرت، مسئله مقیاس مشوق‌های ارائه شده نیست، بلکه ساختار خود سیستم بین‌المللی - و تجربه انباشته از تحریم‌ها، اجبار و تعهدات ناپایدار غرب - است.

از دیدگاه روسیه، هرگونه بده‌بستان بین ایران و اوکراین یک تله استراتژیک است. ایران دسترسی جنوبی روسیه به اقیانوس هند را تضمین می‌کند؛ فروپاشی آن، قوس قفقاز - آسیای مرکزی را در معرض بی‌ثباتی مزمن قرار می‌دهد. دستاوردهای اروپای شرقی جبران‌ناپذیری برای جناح جنوبی از نظر ساختاری ضعیف شده خواهد بود.

استدلال چین نیز به همین ترتیب است. تأمین‌کنندگان انرژی جایگزین همچنان در زنجیره‌های تأمینی قرار دارند که واکنش می‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد یا آنها را مختل کند. در مقابل، نفت ایران درجه بالاتری از استقلال جغرافیایی و سیاسی را ارائه می‌دهد. ارزش آن کمتر در قیمت و بیشتر در انعطاف‌پذیری نهفته است.

آخرین مانع

در هسته خود، رقابت بر سر ایران دو منطق را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. یکی فرض می‌کند که شبکه‌های ژئوپلیتیکی را می‌توان از طریق مشوق‌ها و تغییر آرایش‌های گزینشی از هم پاشید. دیگری اذعان می‌کند که جغرافیا، تجربیات انباشته شده و فرسایش اعتماد، چنین تضمین‌هایی را در جهانی که به طور پیوسته به سمت چندقطبی شدن حرکت می‌کند، شکننده می‌کند.

فروپاشی یا بی‌ثباتی داخلی طولانی مدت ایران صرفاً بازارهای انرژی یا آرایش‌های منطقه‌ای را تغییر نخواهد داد. این امر غرب آسیا را به عنوان منطقه‌ای تقریباً انحصاری تحت نفوذ ایالات متحده بازگشایی می‌کند و یک قوس استراتژیک را در سراسر اوراسیای غربی تکمیل می‌کند. بیش از یک قرن، این منطقه به عنوان یک صحنه مرکزی رقابت قدرت جهانی - از رقابت‌های امپریالیستی گرفته تا جنگ سرد و تا گذار کنونی به سمت چندقطبی شدن - عمل کرده است.

بنابراین، ایران به چیزی بیش از یک کشور محوری تبدیل می‌شود. همانطور که ونزوئلا زمانی مرز بیرونی مقاومت در برابر قدرت ایالات متحده در نیمکره غربی بود، اکنون به عنوان آخرین مانع ژئوپلیتیکی در برابر تثبیت هژمونی آمریکا در قلب اوراسیا ایستاده است.

انسجام آن نه تنها در خدمت منافع ملی خود، بلکه در خدمت هدف گسترده‌تری است که مسکو و پکن مشترکاً دنبال می‌کنند: محدود کردن سلطه یکجانبه و حفظ استقلال استراتژیک در همسایگی‌های نزدیک خود.

----- **با احترام** «2026-01-24» -----
.....